

تحلیل روابط بینامتنی روایات کتاب الامامه «مسند الإمام الرضا علیه السلام» و قرآن

اسما میری^۱
رسول محمد جعفری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۲

چکیده

پدیده بینامتنیت از تحولات دنیای ادبیات است. بر مبنای این پدیده هرمتنی اثرپذیر از متن‌های قبلی و اثرگذار بر متن‌های بعدی است و هیچ متن منحصر به فردی وجود ندارد. این همان حقیقتی است که در گذشته با تعبیری چون: اقتباس، سرقت ادبی، تلمیح و انتحال شناخته می‌شد. از آن جا که سخنان معصومان علیهم‌السلام متأثر از آیات قرآن هستند، می‌توان با استفاده از روابط بینامتنی به تحلیل چگونگی ارتباط آن‌ها با آیات پرداخت. نظریه اهمیت تبیین اثرپذیری روایات امام رضا علیه‌السلام از آیات قرآن در موضوع امامت، این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال است که تحلیل روابط بینامتنی روایات کتاب الامامه مسند امام رضا علیه‌السلام و قرآن چگونه است؟ با تحلیل آیات قرآن و روایات کتاب الامامه مسند امام رضا علیه‌السلام در قالب سه نوع رابطه بینامتنی: واژگانی، گزاره‌ای (متنی) و اشاره‌ای روشن گردید که اولاً، در روایات کتاب الامامه به تفصیل به مباحث امامت در آیات پرداخته شده است؛ در حالی که در آیات، به اجمال اشاره شده است؛ ثانیاً، در موارد فراوانی آیات درباره مشرکان و یهودیان به کار رفته است و در روایات امام رضا علیه‌السلام از آیات، الغای خصوصیت گردیده و به دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام تطبیق شده است؛ ثالثاً، در برخی روایات، امام رضا علیه‌السلام اوصاف اهل بیت علیهم‌السلام را با اوصافی که در قرآن برای پیامبران ذکر شده است، تطبیق داده اند؛ رابعاً، در برخی از آیات، تعبیری از قرآن در سیاق مذموم به کار رفته است، اما در روایات امام رضا علیه‌السلام از آن سیاق خارج شده و در بافت ممدوح استعمال شده است.

۱. کارشناسی ارشد دانش آموخته دانشگاه شاهد (a.miri123453@gmail.com).

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد / نویسنده مسئول (r.mjafari@shahed.ac.ir).

کلیدواژه‌ها: بینامتنیت واژگانی، بینامتنیت گزاره‌ای، بینامتنیت اشاره‌ای، قرآن، مسند الإمام الرضا علیه السلام، امامت.

مقدمه

قرآن و روایات دو میراث گران بهایی هستند که تمام آموزه‌های اسلامی بر محور آن دو استوار گردیده اند. در این بین، آیات قرآن منشأ حجیت روایات هستند و ائمه علیهم السلام خلاف قرآن سخن نمی‌گویند. لذا از امام رضا علیه السلام نقل شده است که آنچه خلاف قرآن است، به ما نسبت ندهید.^۱ بر اساس این روایت امام رضا علیه السلام می‌توان گفت که سخنان معصومان علیهم السلام متأثر از آیات قرآن و در امتداد آن‌ها هستند. تبیین تجلی آیات در روایات ائمه علیهم السلام با روش‌های مختلف امکان پذیر است. از دیرباز از روش‌های ادبی، تحت عناوین اقتباس، تضمین و تلمیح برای تبیین اثرپذیری یک متن از متن یا متون دیگر استفاده می‌گردیده است؛ اما امروزه تحت عنوان «بینامتنیت»^۲ صورت می‌گیرد. این نام‌گذاری توسط ناقدی فرانسوی به نام «ژولیا کریستوا»^۳ در اواخر دهه شصت قرن بیستم مطرح شد. بینامتنیت رابطه میان دو متن بر اساس هم‌حضور است. به عبارت دیگر، هرگاه بخشی از یک متن (متن ۱) در متن دیگری (متن ۲) حضور داشته باشد، رابطه میان این دو رابطه بینامتنی محسوب می‌شود.^۴ در بینامتنیت، همه متون، خواه از نظر لفظی، خواه از نظر معنایی و خواه از هر دو منظر با هم ارتباط دارند و با این ارتباط است که ارزش متن شناخته می‌شود.^۵

بینامتنیت در گفتمان قدیم عربی با نام‌هایی مانند: تضمین، اقتباس، معارضات، سرقت‌های ادبی وجود داشته است.^۶ برخی معتقدند بینامتنیت را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم بندی نمود: بینامتنیت غیر مستقیم و بینامتنیت مستقیم؛ بینامتنیت مستقیم مانند: سرقت، اقتباس، تضمین، أخذ و بینامتنیت غیر مستقیم مانند مجاز، تلمیح، کنایه، تلویح و رمز.^۷

۱. رجال الکشی، ص ۲۲۴-۲۲۵.

2. Intertextuality

3. Julia Kristeva

۴. تأملی بر نظریه بینامتنیت رولان بارت»، ص ۸۷.

۵. «بررسی روابط تناص قرآنی در صحیفه رضویه»، ص ۸.

۶. «بینامتنی قرآنی در اشعار سفیان بن مصعب عبیدی»، ص ۲۵۴.

۷. «بینامتنی قرآنی و روایی در شعر سید حمیری»، ص ۲۰۰.

نظریه بینامتنی به انواع گوناگونی بر اساس چگونگی و شکل کاربرد آن در متون مختلف دسته بندی شده است. از نظر هنری و فنی نظریه بینامتنیت به سه دسته تقسیم شده است:

۱. بینامتنیت واژگانی، ۲. بینامتنیت گزاره ای (متنی)، ۳. بینامتنیت اشاره ای.^۱

۱. بینامتنیت واژگانی: در این نوع از بینامتنیت به کارگیری برخی فعل ها، واژه ها و ترکیب ها و امداثری متنی دیگر است.^۲

۲. بینامتنیت گزاره ای (متنی): این دسته از رابطه بینامتنی به دو گروه تقسیم می شود:

الف) بینامتنیت کامل متنی: در این بینامتنیت، همان متن اصلی به صورت کامل بدون کاهش و افزایش در سیاق اصلی اش در متن حاضر به کار می رود.^۳

ب) بینامتنیت کامل تعدیلی: در این شیوه متن از سیاقش جدا شده و پس از انجام برخی تغییرات پیچیده و یا ساده مانند: کم یا زیاد نمودن اجزا، مقدم و مؤخر کردن، تغییر زمان و صیغه افعال، تبدیل جملات انشایی به خبری و برعکس در متن حاضر به کار می رود.^۴

۳. بینامتنیت اشاره ای: در این شیوه به ذکر یک یا چند نشانه در سخن که خواننده را به متن غایب رهنمون می سازد کفایت می شود.^۵

روابط بینامتنی روایات امام رضا (ع) با قرآن فراوان است و حضرت به طور گسترده ای در سخنان خود از آیات قرآن بهره گرفته است، از جمله ایشان از آیات در سخنان خود در باب امامت استفاده کرده است. عطاردی در مسند الإمام الرضا (ع) روایات منقول از امام رضا (ع) در موضوع امامت را تحت عنوان «کتاب الامامة و مناقب الائمة (ع)» یک جا گرد آورده است. تأمل در این روایات نشان گراثرپذیری گسترده آن ها از آیات قرآن و وجود روابط بینامتنی میان نشان است. با توجه به این که از سویی مسأله امامت از مهم ترین مسائل مورد چالش شیعه و اهل سنت است و از سوی دیگر، قرآن منبع مورد اتفاق فریقین است و هر چه استدلال به آیات در اثبات امامت افزون تر باشد موجب اقناع بیشتر اهل سنت خواهد بود، کتاب الإمامه مسند امام رضا (ع) برای پژوهش بینامتنیت انتخاب گردید.

به طور کلی، در زمینه روابط بینامتنی قرآن و دیگر کتب و آثار، مانند صحیفه سجادیه، نهج

۱. «بینامتنی قرآن کریم با صحیفه سجادیه»، ص ۲۴.

۲. تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، ص ۱۵.

۳. «خوانش رابطه بینامتنی شعروضوی معاصر و قرآن کریم»، ص ۱۲۵.

۴. «اشکال التناص الشعری البیاتی نموذجاً»، ص ۶۴.

۵. همان، ص ۵۰.

البلاغه و دیوان اشعار پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است؛ از جمله: طحانی در پژوهشی با عنوان «تحلیل روابط بینامتنی دنیا در نهج البلاغه و قرآن»، مختاری و محبی در پژوهشی تحت عنوان «بررسی روابط بینامتنی قرآن در صحیفه رضویه» و ادایی خضری در پژوهشی با عنوان «تجلی قرآن در صحیفه سجادیه»، اما در مورد روابط بینامتنی روایات کتاب الإمامه مسند امام رضا علیه السلام با قرآن پژوهشی سامان نیافته است. نظریه اهمیت تبیین اثرپذیری روایات امامت امام رضا علیه السلام از آیات قرآن و نشان دادن خاستگاه قرآنی روایات امامت، این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال است که تحلیل روابط بینامتنی روایات کتاب الامامه مسند امام رضا علیه السلام و قرآن چگونه است؟ برای سامان دادن پژوهش، ابتدا روایاتی که در آن‌ها ارتباط بینامتنی با قرآن وجود داشت، استخراج گردیدند و سپس، براساس تقسیم بندی‌های بینامتنی (واژگانی، گزاره‌ای - کامل متنی و تعدیلی - و اشاره‌ای) تفکیک شدند و در نهایت، در هر دسته مواردی انتخاب گردیده و به تحلیل ارتباط روایت با آیات قرآن پرداخته می‌شود.

۱. روابط بینامتنی روایات کتاب الامامه «مسند الإمام الرضا علیه السلام» و قرآن

چنان که اشاره گردید، با مقایسه آیات قرآن و روایات کتاب الامامه مسند امام رضا علیه السلام می‌توان به سه نوع رابطه بینامتنی دست یافت: ۱. بینامتنی واژگانی، ۲. بینامتنیت گزاره‌ای (متنی)، ۳. بینامتنیت اشاره‌ای. برای تبیین روابط بینامتنیت از سه اصطلاح: «متن حاضر»، «متن غایب» (پنهان) و رابطه بینامتنی بهره گرفته می‌شود؛ روایات امام رضا علیه السلام، متن حاضر و آیات قرآن، متن غایب هستند و تحلیل چگونگی ارتباط روایات امام رضا علیه السلام با آیات قرآن، رابطه بینامتنی خواهد بود.

۱-۱. بینامتنی واژگانی

۱-۱-۱. «الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى»

متن حاضر: در باب «إمامتهم و فرض طاعتهم» درباره لزوم تبعیت از اهل بیت علیهم السلام آمده است:

أَنْتُمْ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى مَنْ تَمَسَّكَ بِهَا اهْتَدَى وَمَنْ تَرَكَهَا ضَلَّ^۱

۱. مسند الإمام الرضا أبي الحسن علي بن موسى عليه السلام، ج ۱، ص ۱۱۶.

شما حجّت و دلیل خدا بر آفریدگانش و دستاویز محکم خدا هستید. هر کس به آن دستاویز تمسک جوید، هدایت یافته است و آن که رهایش سازد، گمراه گردد.

متن غایب: تعبیر «العُرْوَةُ الْوُثْقَى» در دو آیه قرآن آمده است:

۱. ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرِّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^۱

در دین هیچ اجباری نیست و راه از بی راهه به خوبی آشکار شده است. پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، به یقین به دستاویزی استوار که آن را گسستن نیست، چنگ زده است و خداوند شنوای داناست.

۲. ﴿وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۲

و هر کس خود را - در حالی که نیکوکار باشد - تسلیم خدا کند، قطعاً در ریسمان استوارتری چنگ درزده و فرجام کارها به سوی خداست.

رابطه بینامتنی: در روایت مذکور، امام رضا علیه السلام سخن پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به امام علی علیه السلام در مورد امامان و وجوب اطاعت از آنان را نقل می‌کند و امامان را حجّت و برهان خدا بر خلقش معرفی می‌نماید. ایشان برای تبیین ارزش تمسک به ایشان، به عنوان تنها راه نجات و هدایت، تعبیر قرآنی «العُرْوَةُ الْوُثْقَى» را به کار برده است. خداوند در آیات فراوانی از قرآن اموری را که با حواس ظاهری نمی‌توان احساس کرد، به اشیایی که ملموس و محسوس هستند، تشبیه نموده است؛ از جمله آن‌ها تعبیر «العُرْوَةُ الْوُثْقَى» است. مراد از «عروه» دستاویزهایی مانند دسته ظرف و کوزه هستند. «الوثقی» مونث «الوثق» است. تعبیر «العُرْوَةُ الْوُثْقَى» از باب استعاره محسوس برای امر معقول است؛ زیرا هرگاه کسی گرفتن چیزی را اراده کند، به دسته آن چنگ می‌زند. در اینجا نیز چنین است. هر کس تمسک به این دین را بخواهد، به دلالت‌های دال بر آن چنگ می‌زند و از آنجایی که دلالت‌های اسلام محکم‌ترین و روشن‌ترین دلالت‌ها هستند آن‌ها را با «العروه الوثقی» توصیف کرد.^۳

علامه طباطبایی در این باره نوشته است:

۱. سوره بقره، آیه ۲۵۶.

۲. سوره لقمان، آیه ۲۲.

۳. التفسیر الکبیر، ج ۷ ص ۱۶.

واژه «عروه» اساساً «وابستگی و تعلق» را بیان می‌کند؛ برای مثال، وقتی ذکر می‌شود: «فلانا عری فلاناً»، نشان از دل بستگی و تعلق خاطر فلانی نسبت به فلان مورد را دارد. براین اساس، عبارت «فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى» استعاره است برای رهایی از انحراف و کفر و الحاد. در واقع، خداوند ارتباط ایمان با خوشبختی و سعادت را به رابطه دستگیره ظرف با ظرف و یا با محتویات ظرف تشبیه می‌کند؛ همان‌گونه که گرفتن و برداشتن ظرف تنها با گرفتن دستگیره آن قابل اطمینان خواهد بود، دست یافتن به اصل سعادت تنها با ایمان به خدا و کفر به طاغوت تحقق پیدا می‌کند.^۱

برای «العُرْوَةُ الْوُثْقَى» در روایات فریقین مصادیق متعددی بیان شده است. در روایات اهل سنت، «لا اله الا الله»، «قرآن»، «ایمان»، «توحید و قدر» و «پیروی از ابوبکر و عمر» مصادیقی هستند که برای آن بیان شده است.^۲ در روایات اهل بیت علیهم السلام، «توحید»، «ایمان»، «ائمه علیهم السلام»، «تمسک به محبت اهل بیت علیهم السلام» و در اغلب روایات «تمسک به ولایت امام علی علیه السلام» عنوان گردیده است.^۳ در روایت محل بحث - روایت امام رضا علیه السلام - یکی از مصادیق آن، «ائمه علیهم السلام» و «تمسک به محبت اهل بیت علیهم السلام» بیان شده است. به هر روی، ترکیب وصفی «العُرْوَةُ الْوُثْقَى» از آیات قرآن در روایت امام رضا علیه السلام وام گرفته شده و به کار رفته است. بنابراین، رابطه بینامتنی روایت و آیات قرآن در سطح واژگانی است.

گفتنی است این که در روایات اهل سنت یکی از مصادیق شمارش شده، برای «العُرْوَةُ الْوُثْقَى»، «پیروی از ابوبکر و عمر» بیان گردیده است با هدف فضیلت تراشی برای صحابه در مقابله با فضایل اهل بیت علیهم السلام و به ویژه امام علی علیه السلام است؛ همان‌گونه که ابن ابی الحدید از مدائنی نقل کرده است:

معاویه به کارگزارانش نوشت هر روایتی که در فضیلت ابوتراب (امام علی) نقل شده است، باید از مردم بخواهید مشابه آن را درباره صحابه روایت کنند و برای من گزارش کنید. این امر برای من دوست داشتنی و مایه روشنایی دیده است و موجب از بین رفتن حجت‌های ابوتراب و شیعیانش است.^۴

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲ ص ۵۲۴.

۲. رک: الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ج ۱ ص ۳۳۰.

۳. البرهان، ج ۱ ص ۵۲۳-۵۲۴.

۴. شرح نهج البلاغه، ج ۱۱ ص ۴۵.

نمونه‌هایی دیگر از بینامتنیت واژگانی: ۱. «حِزْبُ اللَّهِ» و «حِزْبُ الشَّيْطَانِ»^۱ برگرفته از آیات ۲۰ و ۲۲ سوره مجادله، ۲. «خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ»^۲ برگرفته از آیه ۲ سوره انفال، ۳. «الْمَثَلُ الْأَعْلَى»^۳ برگرفته از آیه ۲۷ سوره روم، ۴. «السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ»^۴ برگرفته از آیه ۴۴ سوره اسراء، ۵. «الدَّرَجَاتِ الْعُلَى»^۵ برگرفته از آیه ۷۵ سوره طه، ۶. «فَصَلِّ الْخُطَابِ»^۶ برگرفته از آیه ۲۰ سوره ص، ۷. «الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ»^۷ برگرفته از آیه ۱۱ سوره حج، ۸. «ذِي الْعَرْشِ»^۸ برگرفته از آیه ۴۲ سوره اسراء.

۲-۱. بینامتنی گزاره‌ای

۱-۲-۱. بینامتنیت کامل متنی

۱-۲-۱-۱. شهادت، رستگاری بزرگ

متن حاضر: در باب ما جاء في الحسن والحسين عليهما السلام، امام رضا عليه السلام به نقل از امام کاظم عليه السلام می‌فرمایند:

إِنْ سَرَّكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا لِمَنْ اشْتَشَهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَقُلْ مَتَى مَا ذَكَرْتَهُ: يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً؛^۹

اگر دوست داری که ثوابی مانند ثواب کسانی که با حسین عليه السلام شهید شدند داشته باشی، هر زمان او را یاد کردی بگو: ای کاش با آنان بودم تا به رستگاری بزرگی می‌رسیدم.

متن غایب:

وَلَيْتَنِي أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ، كَأَنْ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ: ﴿يَا لَيْتَنِي كُنْتُ

۱. مسند الإمام الرضا أبي الحسن علي بن موسى عليه السلام، ج ۱ ص ۱۲۱.

۲. همان، ج ۱ ص ۱۲۶.

۳. همان، ج ۱ ص ۱۲۶.

۴. همان، ج ۱ ص ۱۴۷.

۵. همان، ج ۱ ص ۱۴۸.

۶. همان، ج ۱ ص ۱۹۲.

۷. همان، ج ۱ ص ۲۰۰-۲۰۱.

۸. همان، ج ۱ ص ۲۱۵.

۹. مسند الإمام الرضا أبي الحسن علي بن موسى عليه السلام، ج ۱ ص ۱۴۸.

مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا^۱؛

و اگر غنیمتی از خدا به شما برسد - چنان که گویی میان شما و میان او [رابطه] دوستی نبوده - خواهد گفت: کاش من با آنان بودم و به نوای بزرگی می‌رسیدم.

رابطه بینامتنی: متن غایب اشاره به منافقانی است که به علت شک و تردیدی که در دل داشتند، از حضور در میدان جنگ فراری بودند. آنان حتی اگر در صحنه جنگ حضور پیدا می‌کردند، به دنبال پاداش اخروی نبودند و هراسی نیز از این بابت نداشتند که اگر از جهاد در راه خدا تخلف کنند، خداوند آنان را مجازات کند. حال، همین منافقان در صورتی که جنگ به پیروزی منتهی می‌شد، از روی حسادت و برای دست یابی به غنیمت‌های جنگی جمله مذکور را با حسرت به زبان می‌آوردند.^۲ منافقان وقتی که مسلمانان در جنگ پیروز و از غنائم جنگی بهره‌مند می‌شوند، می‌گویند که کاش همراه آنان بودند و به رستگاری بزرگ - در نظر آنان غنائم فوز عظیم است - دست می‌یافتند:

﴿وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فُضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾.

ولی اگر مسلمانان به مصیبتی مبتلا شوند، می‌گویند که خدا بر آنان منت نهاده است که همراه مسلمانان نبوده‌اند:

﴿فَإِنْ أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا﴾.

قرآن در پاسخ آنان می‌فرماید:

کسانی به جنگ در راه خدا موفق می‌شوند که زندگی دنیا را به آخرت فروخته باشند و اینان مستحق پاداش عظیم هستند؛ خواه در جنگ آسیب ببینند و کشته شوند یا دشمن را از پای در آورند.^۳

در خصوص این جمله: ﴿يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ - که منافقان به زبان جاری می‌کردند - از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ قَالُوا: قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَكَانُوا بِذَلِكَ

۱. سوره نساء، آیه ۷۳.

۲. جامع البیان، ج ۵ ص ۱۰۵.

۳. تسنیم، ج ۱۹ ص ۵۶۴.

مُشْرِكِينَ، وَإِذَا أَصَابَهُمْ فَضْلٌ مِنَ اللَّهِ قَالَ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛^۱

اگر اهل آسمان و زمین می گفتند که خدا بر من منت نهاد که با رسول خدا نبودیم، با این سخن مشرک می گردیدند. همچنین مشرک می گردیدند آن هنگامی که به مجاهدان فضلی از جانب برسد و بگویند: ای کاش با آن ها می بودیم و در راه خدا می جنگیدیم.

رستگاری موجودات گوناگون متفاوت است. رستگاری دانه نباتی، به گیاه شدن آن است تا بدین وسیله از پوسیدن و فاسد شدن نجات یابد و برای حیوان به این است که ثمره مورد انتظار از او ظاهر شود. در انسان ها نیز به تفاوت بینش آنان در تفسیر انسان، تفسیر سعادت و شقاوت وی، معنا و مصداق تکامل و مانند آن بستگی دارد. کسانی که وجهه همتشان دنیا است و اندیشه آنان از آن نمی گذرد، رسیدن به سرمایه مادی و برتری های دنیایی برای آن ها فوز است:

﴿وَلَيْنَ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾.

چنان که تحمل مشکلات جهاد در راه خدا و شهادت را نقیمت می پندارند:

فَإِنْ أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا: قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا.^۲

عبارت ﴿يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ در برخی زیارت ها نیز آمده است. با معیار یادشده، زائران می توانند خلوص یا ضعف ایمان، یا نفاق خود را در بیان این مطلب بسنجند.^۳

در روایت امام رضا علیه السلام جمله: ﴿يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ به کار رفته است. این جمله در قرآن در سیاق مذموم و درباره منافقان به کار رفته است، اما در زیارت نامه ها و روایت امام رضا علیه السلام در سیاق ممدوح و برای طلب شهادت به کار رفته است و حضور در رزمگاه امام حسین علیه السلام و یاری ایشان آرزوی کسی است که این سخن را به زبان می راند. به هر روی، متن غایب به صورت کامل و بدون هیچ گونه تغییر در متن حاضر به کار رفته است و میان دو متن، رابطه بینامتنی گزاره ای و از نوع کامل متنی برقرار است.

۱-۲-۲-۱. وعید به ظالمان در حق اهل بیت علیهم السلام

متن حاضر: در باب «ما جاء عنه في أخبار المهدي علیه السلام» امام رضا علیه السلام به نقل از رسول

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱ ص ۲۵۷.

۲. تسنیم، ج ۳ ص ۳۹۵.

۳. همان، ج ۷ ص ۶۱۸.

خدا ﷻ فرموده اند:

إِلَى اللَّهِ أَشْكُوا الْمُنْكَرِينَ لِفَضْلِهِمْ وَالْمُضِيِّعِينَ لِحُرْمَتِهِمْ بَعْدِي وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَتَاصِرًا
لِعِزَّتِي وَأُمَّتِي وَأُمَّتِي وَمُنْتَقِمًا مِنَ الْجَاهِدِينَ لِحَقِّهِمْ ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ
يَنْقَلِبُونَ﴾^۱

از کسانی که پس از وفاتم فضیلت ایشان (اهل بیت) را انکار می کنند و حقوقشان را ضایع می کنند، به خداوند شکایت می برم و خداوند خوب سرپرستی است و او یاور شایسته ای برای خاندانم و امامان امت من است و از کسانی که حقشان را انکار می کنند، انتقام می گیرم و کسانی که ستم کرده اند، به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه بر خواهند گشت.

متن غایب:

﴿...إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَ
سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾^۲

مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و خدا را بسیار به یاد آورده و پس از آن که مورد ستم قرار گرفته اند یاری خواسته اند و کسانی که ستم کرده اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه بر خواهند گشت.

رابطه بینامتنی: در روایت امام رضا (علیه السلام)، جمله ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ - که بخشی از آیه ۲۲۷ سوره شعراء است - به کار رفته است. واژه «منقلب» اسم مکان یا مصدر میمی از «انقلاب» است و معنای جمله این است که کسانی که ستم کرده اند - به طوری که از سیاق برمی آید، مراد مشرکان هستند - به زودی خواهند فهمید که به چه بازگشتگاهی بر می گردند و آن بازگشتگاه همان آتش است و یا این است که به زودی خواهند فهمید که به چه صورتی برمی گردند. در این جمله خداوند مشرکان را تهدید کرده است.^۳

خداوند در آیات پایانی سوره شعرا (آیات ۲۲۴ تا ۲۲۷) با ذکر سه ویژگی شاعران: پیشوایی گمراهان، سرودن اشعار بی اساس و منطق به دلیل غرق در خیال و پندار و مهم تراز همه، کلام بدون عمل، آنان را مورد نکوهش قرار می دهد و در عین حال با به کار بردن «الا»ی استثنا

۱. مسند الإمام الرضا أبي الحسن علي بن موسى (علیه السلام)، ج ۱ ص ۲۱۶.

۲. سوره شعراء، آیه ۲۲۷.

۳. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵ ص ۴۷۱.

در آیه بعدی و ذکر چهار صفت برای شاعران نیکو(ایمان، عمل صالح، بسیار خدا را یاد کردن و بهره بردن از شعر برای طلب یاری حق) خط مشی آنان را از دیگر شاعران جدا می‌سازد. در متن غایب، شاعران ظالمانی معرفی شده‌اند که از ذوق شعری خود به عنوان وسیله‌ای برای تضعیف حق بهره برده‌اند که مورد تهدید قرار می‌گیرند.^۱ تهدید در عبارت محل بحث، اگرچه در نظر خیلی از مفسران وعده انتقام برای روز قیامت است، اما در حقیقت مربوط به شکست در میدان‌های جنگ مانند بدر است و به طور کلی مفهوم ذلت و خواری در دنیا را نیز شامل می‌شود.^۲ همین عاقبت در متن حاضر در انتظار ستمکارانی عنوان شده است که حرمت و برتری خاندان رسول را نادیده می‌گیرند. وجود واژه «سَيَعْلَمُ» در عبارت انتهایی آیه و متن حاضر - که نشان از آینده نزدیک دارد - به پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ اطمینان می‌بخشد و به طور عام به مظلومان نوید می‌دهد که خیلی زود سرنوشت ظالمان دگرگون خواهد شد و عزت ظاهری آنان تبدیل به ذلت حقیقی خواهد گردید. از آنجایی که عبارت قرآن بدون تغییر در روایت امام ﷺ استعمال شده رابطه بینامتنی گزاره‌ای و از نوع کامل متنی است. شایان ذکر است در روایات دیگری نیز آیه به دشمنان اهل بیت ﷺ تطبیق شده است.^۳

۱-۲-۳. دشمنان اهل بیت ﷺ، بی بهره گان در آخرت

متن حاضر: در باب «إماتتهم و فرض طاعتهم» امام رضا ﷺ به نقل از پیامبر ﷺ فرموده‌اند:

حُرِّمَتْ الْجَنَّةُ عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي وَعَلَى مَنْ قَاتَلَهُمْ وَعَلَى الْمُعِينِ عَلَيْهِمْ وَعَلَى مَنْ سَبَّهُمْ أَوْلِيكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُرْكَبُهُمْ وَهُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ^۴

بهشت بر کسی که به اهل بیت من ستم کند و بر کسی که با آنان بجنگد و بر کسی که علیه آنان کمک رساند و بر کسی که ناسزایشان گوید، حرام شده است. اینان را در آخرت بهره‌ای نیست و خدا روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و به ایشان نمی‌نگرد و پاکشان نمی‌گرداند و عذابی دردناک خواهند داشت.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۵ ص ۳۷۹.

۲. همان، ج ۱۵ ص ۳۸۰.

۳. تفسیر نور الثقلین، ج ۴ ص ۷۳.

۴. مسند الإمام الرضا أبي الحسن علی بن موسی ﷺ، ج ۱ ص ۱۰۶.

متن غایب:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^۱

کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خود را به بهای ناچیزی می‌فروشند، آنان را در آخرت بهره‌ای نیست و خدا روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و به ایشان نمی‌نگرد و پاکشان نمی‌گرداند و عذابی دردناک خواهند داشت.

رابطه بینامتنی: آیه (متن غایب) درباره برخی عالمان یهود (أبورافع، کنانه بن أبی الحقیق، حی بن أخطب و کعب بن اشرف) نازل شده است که نبوت پیامبر ﷺ را در تورات پنهان کردند و خلاف آن را در تورات نگاشتند و برای این که پیامبر ﷺ بر آنان برتری نجوید، سوگند یاد کردند آنچه که در تورات نوشته‌اند از جانب خداوند است.^۲

پیمان‌شکنان اهل کتاب - که خود را محبوب خدا پنداشته و نژادپرستانه هرگونه تعرض به دیگران را برای خود روا می‌شمردند - عهد الهی و سوگندهای خویش را به قیمتی اندک، یعنی به متاع و کالای اندک دنیا می‌فروشند و به عهد و سوگندهای خود وفادار نیستند. اینان که از افراد عادی پایین‌تر و از ساحت الهی بسیار دورند، در قیامت از بهشت و درجات آن که مصداق خلاق و تکلم خاص و نظر مخصوص و تزکیه ویژه الهی‌اند بی‌بهره‌اند؛ بدین معنا که خداوند آنان را به حال خود رها کرده که خود نوعی تعذیب است. بنابراین، پیمان‌شکنی و نقض سوگند نه تنها محبوب خدا نیست، بلکه خداوند با پیمان‌شکنان و عهدفروشان بر اساس رحمت خاص، یعنی رحمت رحیمیه سخن نمی‌گوید و آنان از این کلمات خاص و از شنیدن کلمه خاص خدا محروم‌اند.^۳

در متن غایب: «أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ...»، خداوند از بین همه اسامی اشاره فقط «أولئك» - که مخصوص اشاره به دور است - آورد تا بفهماند این گروه از ساحت قرب خدا دور هستند؛ برعکس وفاداران به عهد و پرهیزکاران که مقرب درگاه خدا هستند؛ چون حب خدا شامل حال ایشان است.^۴ در روایت امام رضا علیه السلام (متن حاضر) فقره «أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ

۱. سوره آل عمران، آیه ۷۷.

۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲ ص ۷۸۰.

۳. تسنیم، ج ۱۴، آیه ۶۲۴.

۴. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳ ص ۴۱۸.

فِي الْآخِرَةِ...» به کسانی نسبت داده شده است که به اهل بیت علیهم السلام ستم می‌کنند و دشنام می‌دهند و آن بزرگوران را به شهادت می‌رسانند و نیز کسانی که یاوران قاتلان هستند. از تطبیق آیه بردشمنان اهل بیت علیهم السلام برمی‌آید که آنان برای نیل به متاع قلیل دنیا عهد خدا درباره خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را شکستند.^۱ وجود عبارت متن غایب به صورت کامل و بدون هیچ گونه تغییر در متن حاضر حکایت از این دارد که میان دو متن رابطه بینامتنی گزاره‌ای و از نوع کامل متنی برقرار است.

نمونه‌هایی دیگر از بینامتنیت کامل متنی: ۱. جمله «وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى»^۲ برگرفته از آیه ۶۱ سوره طه، ۲. «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ...»^۳ برگرفته از آیه ۱۲۵ سوره انعام، ۳. «كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ»^۴ برگرفته از آیه ۲۲ سوره مجادله، ۴. «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»^۵ برگرفته از آیه ۳۸ سوره حجر، ۵. «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ»^۶ برگرفته از آیه ۱۸ سوره هود، ۶. «وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ»^۷ برگرفته از آیه ۸۸ سوره ص، ۷. «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ»^۸ برگرفته از آیه ۴۸ سوره قلم.

۲-۲-۱. بینامتنیت کامل تعدیلی

۱-۲-۲-۱. فرود غضب خداوند بردشمنان اهل بیت علیهم السلام

متن حاضر: در باب «امامتهم و فرض طاعتهم» امام رضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و آن حضرت از جبرئیل علیه السلام و ایشان از خداوند نقل کرده‌اند:

مَنْ عَادَى أَوْلِيَاءِي فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمُحَارَبَةِ وَمَنْ حَارَبَ أَهْلَ بَيْتِي فَقَدْ حَلَّ عَلَيْهِ
عَذَابِي وَمَنْ تَوَلَّى غَيْرَهُمْ فَقَدْ حَلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي؛^۹

هر کس با دوستان من دشمنی بورزد، به جنگ با من برخاسته است. هر کس با اهل

۱. تسنیم، ج ۱۴ ص ۶۳۹.

۲. مسند الإمام الرضا أبي الحسن علي بن موسى علیه السلام، ج ۱ ص ۱۳۲.

۳. همان، ج ۱ ص ۱۵۹.

۴. همان، ج ۱ ص ۲۲۱.

۵. همان، ج ۱ ص ۲۲۳.

۶. همان، ج ۱ ص ۲۲۶.

۷. همان، ج ۱ ص ۲۴۰.

۸. همان، ج ۱ ص ۲۴۴.

۹. همان، ج ۱ ص ۱۰۸.

بیت پیامبر من جنگ نماید، عذاب من شامل حال او می‌گردد. هر کس غیر آنان را ولی خود قرار دهد، غضب من بر او فرود خواهد آمد.

متن غایب:

كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ^۱

از خوراکی‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کردیم، بخورید و [لی] در آن زیاده روی نکنید که خشم من بر شما فرود آید، و هر کس خشم من بر او فرود آید، قطعاً در [ورطه] هلاکت افتاده است.

رابطه بینامتنی: در آیه ۸۱ سوره طه، خداوند خطاب به بنی اسرائیل می‌فرماید از نعمت‌های پاکی که به شما عطا کردم، میل کنید؛ لیکن ناسپاس نباشید و سوء استفاده نکنید؛ یعنی از آن‌ها در راه سرپیچی از فرمان من بهره نگیرید؛ چرا که غضب من را به دنبال خواهد داشت و غضب من با نیستی و نابودی برابر است.^۲

عبارت قرآنی ﴿فَيَحِلُّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي﴾ در روایت امام رضا (علیه السلام) مورد اقتباس قرار گرفته است. واژه «یحل» در آیه به این معنا است که خشم و غضب من واجب و لازم شده است، به این مفهوم که به علت معصیت بنده، عقاب و بلایی از جهت خدا به بنده اش می‌رسد.^۳ مراد از غضب خدا («غَضَبِي») عقاب است؛ چنان که امام باقر (علیه السلام) این گونه تبیین کرده و فرموده‌اند: هر کس گمان کند که خداوند از حالی به حال دیگر در می‌آید، او را به صفت مخلوق توصیف کرده است. خداوند را چیزی به حرکت نمی‌آورد تا او را تغییر دهد.^۴

در روایتی از امام رضا (علیه السلام)، ایشان غضب الهی را با وصفی که در مخلوقات است نفی کرده و فرموده است:

خداوند منزه و بلند مرتبه است، با زایل شوندگان زوال نمی‌یابد و با تغییر کنندگان تغییر نمی‌کند و با تبدیل شوندگان تبدیل نمی‌شود؛ مخلوقات تحت قدرت و تدبیر او هستند و جملگی نیازمند او هستند و او بی‌نیاز از آنان است.^۵

۱. سوره طه، آیه ۸۱.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۳ ص ۲۶۲.

۳. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴ ص ۲۶۱.

۴. الکافی، ج ۱ ص ۱۱۰.

۵. همان، ج ۱ ص ۱۳۱.

«غضب» یکی از صفات خداوند است و البته صفت فعل او و مصداق اراده او است. اراده این که مکروهی به بنده اش برساند، به این است که اسباب رسیدن آن را - که ناشی از معصیت عبد است - فراهم می‌سازد.^۱

در روایت امام رضا علیه السلام (متن حاضر) امامت شرط نجات از هلاکت عنوان شده است؛ به این صورت که اهل بیت علیهم السلام تنها وسیله هدایت و نجات هستند و اگر از این نعمت‌ها بهره گرفته نشود، عقاب خداوند بر مردم فرود می‌آید. این عقاب همان رانده شدن از درگاه تقرب الهی است و این بدترین حالتی است که برای بنده می‌توان تصور کرد که از تعلق و پیوستن به خالق خود منقطع می‌شود؛ زیرا امامان علیهم السلام هادی به حق هستند و بدون بهره بردن از پرتو هدایت آنان ضلالت و گمراهی قطعی خواهد بود. در این زمینه روایات متعددی وجود دارد؛ از جمله حدیث سفینه است که اهل سنت نیز نقل کرده اند، حاکم نیشابوری در مستدرک به نقل از ابوذر غفاری گزارش می‌کند:

أَمَا بَلَغَكَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فِي أُمَّتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ فِي قَوْمِهِ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ خَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ؛^۲

آیا نشنیده‌ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اهل بیتم در میان امتم مانند کشتی نوح در میان قومش هستند که هر که سوار شد، نجات یافت و هر که از آن روی گرداند، غرق گردید.

عبارت قرآنی: ﴿فَيَجَلِّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي﴾، با اندکی دگرگونی در ساختار و با مضمونی یکسان، در روایت امام رضا علیه السلام (متن حاضر): «حَلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي» به کار رفته است. در آیه قرآن فعل به صورت مضارع (يَجَلِّ) و در حدیث امام علیه السلام به صورت ماضی (حَلَّ) استعمال شده است. لذا رابطه بینامتنی میان دو متن در گروه بینامتنی گزاره‌ای و از نوع کامل تعدیلی قرار داد.

عبارت قرآنی مفهوم علی و سببی دارد؛ زیرا قبل از «فَيَجَلِّ»، فعل مضارع مجزوم به «لا»ی نهی به کار رفته است: «لَا تَطْعَمُوا»، لذا «فاء» موجود در «فَيَجَلِّ» - که فعل مضارع است - سببیه خواهد بود و بر این اساس، معنای آیه چنین خواهد بود: نسبت به نعمت‌های خداوند طغیان نکنید؛ زیرا سبب فرود آمدن غضبم بر شما خواهد شد. عبارت قرآنی به کار رفته در روایت امام رضا علیه السلام با تغییری که در آن رخ داده است، در مفهوم علی و سببی، ولی از نظر

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴ ص ۲۶۱.

۲. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲ ص ۳۴۳.

قواعد ادبی در ساختار شرطی به کار رفته است:

مَنْ تَوَلَّى غَيْرَهُمْ فَقَدْ حَلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي.

در این عبارت، «مَنْ»: اسم شرط، «تَوَلَّى»: فعل شرط است و جمله جواب شرط: «فَقَدْ حَلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي» است. در این جمله «فاء»: جزای شرط، «قد»: حرف تحقیق، «حَلَّ» فعل ماضی است. معنای روایت چنین خواهد بود: هر کس غیر آنان را ولی خود قرار دهد، این عمل سبب فرود آمدن غضب من بر او خواهد بود.

۱-۲-۲-۲. کوری و کوری از حقیقت

متن حاضر: در باب دلالات الرضا (علیه السلام) امام رضا (علیه السلام) فرموده‌اند:

يَزْعُمُونَ أَنِّي أَجَبْتُهُمْ بِخِلَافِ مَا جَاءَ عَنْ آبَائِي وَلَعَمْرِي مَا يُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَا يَهْدِي الْعُمَى إِلَّا اللَّهُ!

ادعا می‌کنند که بر خلاف آنچه از پدرانم آمده است، به آنان پاسخ دادم و به جانم قسم که جز خداوند کسی نمی‌تواند کران را شنوا و کوران را بینا کند.

متن غایب:

إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَى عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ^۲؛

البته تو مردگان را شنوا نمی‌گردانی و این‌ها را به کران - چون پشت بگردانند - نمی‌توانی بشنوانی و راهبر کوران [و بازگرداننده] از گمراهی شان نیستی. تو جز کسانی را که به نشانه‌های ما ایمان آورده‌اند و مسلمان‌اند، نمی‌توانی بشنوانی.

رابطه بینامتنی: در متن غایب، خداوند می‌خواهد بفرماید که رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) تنها در مورد مؤمنان می‌تواند به سرانجام برسد؛ زیرا آنان مستعد و تسلیم حجت‌های حق هستند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) فقط می‌تواند آیات خداوند را به گوش آنان برساند.^۳ در حقیقت، خداوند با این تعبیر دقیق به پیامبر (صلی الله علیه و آله) آرامشی عنایت می‌بخشد که ایشان هرگز نمی‌تواند کران را به حق فراخواند؛ به خصوص اگر پشت می‌کنند و روی برمی‌گردانند. چشم بینایی نیز ندارند که

۱. مسند الإمام الرضا أبي الحسن علي بن موسى (علیه السلام)، ج ۱ ص ۱۵۹.

۲. سوره نمل، آیه ۸۰-۸۱.

۳. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵ ص ۵۵۸.

بتواند با اشاره راه حق را به آنان نشان دهد.^۱ در چنین شرایطی امید برای هدایت آنان وجود ندارد. خداوند آنان را در شمار مردگان قرار می‌دهد و القای حقیقت برای مرده امری محال است. در معیار قرآن، مرگ و زندگی با آنچه در فرهنگ دنیا دیده می‌شود، متفاوت است. در بینش قرآن، مرگ و زندگی هم در بعد مادی و هم در بعد معنوی وجود دارد.^۲ بر این مبنا، قرآن برخی را که زنده به نظر می‌رسند، مرده به شمار می‌آورد؛ مانند کسانی که خود را به کوری و کوری زده اند و کسانی که به حق پشت کرده اند. بنابراین، صرف داشتن ابزار شنوایی و بینایی و یا به عبارتی، حواس ظاهری (گوش، چشم، زبان، حس و حرکت) تنها دلیل بر زنده بودن مادی شخص است؛ اما طبق آیه ۱۷۹ سوره اعراف برای زندگی معنوی نیاز به چشم قلبی که ببیند و گوش قلبی که بشنود و زبان قلبی که اقرار کند وجود دارد.^۳ در متن حاضر، امام رضا علیه السلام با تلفیق دو آیه (متن غایب) در ساختاری متفاوت، وصف قرآن در مورد کران و کوران از امامت امام رضا علیه السلام به کار برده است. مراد از سخن حضرت، جریان واقفیه^۴ هستند که مدعی تناقض کلام امام علیه السلام با پدرانشان بودند. آنان از بیم آن که مبادا با پذیرش ولایت امام علیه السلام، منافع دنیوی (سوء استفاده‌های مادی از وجوهات شرعی) خود را از دست دهند، از هر گونه اشکال تراشی و بهانه جویی - از جمله انکار شهادت امام کاظم علیه السلام - برای تضعیف موقعیت امام رضا علیه السلام در اذهان جامعه و در نهایت عدم پذیرش ایشان به عنوان پیشوای بعد از امام کاظم علیه السلام دریغ نمی‌کردند. امام رضا علیه السلام با استفاده از تعبیر قرآن مختصر و مفید علت اصلی مخالفت آنان را با خود روشن می‌سازند و هر گونه تلاش برای متقاعد ساختن آنان را بی ثمر می‌داند؛ چرا که هوای نفس چنان آنان را نابینا و ناشنوا ساخته که راه‌های دریافت حق را بسته است. در متن غایب، خداوند به پیامبرش علت حق ناپذیری مشرکان را بیان کرده است و در متن حاضر امام رضا علیه السلام ضمن اشاره به مضمون آیه علت عدم پذیرش امامت ایشان به وسیله واقفیه و سبب ایراد تهمت به آن حضرت در خصوص تناقض سخنان ایشان با پدرانشان را بیان داشته است.

بنابراین، در روایت امام رضا علیه السلام جمله: «مَا يُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَا يَهْدِي الْأَعْمَى إِلَّا اللَّهُ» برگرفته از

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۵ ص ۵۴۰.

۲. تفسیر نور، ج ۶ ص ۴۵۶.

۳. اطیب البیان، ج ۱۰ ص ۱۸۷.

۴. واقفیه گروهی از اصحاب امام کاظم علیه السلام هستند که پس از درگذشت ایشان به امامت حضرت رضا علیه السلام اعتراف نکردند و در امامت امام کاظم علیه السلام توقف کرده اند، از این رو به آنان واقفیه می‌گویند (اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام ص ۸۰۴).

آیات ۸۰ و ۸۱ سوره نحل است. بخش اول سخن امام علیه السلام: «مَا يُسْمِعُ الصَّمَّ» از قسمتی از آیه ۸۰ سوره نحل: «لَا تُسْمِعُ الصَّمَّ الدَّعَاءَ» گرفته شده و با سه تفاوت به کار رفته است: ۱. در آیه، «لا»ی نفی ولی در حدیث، «ما»ی نفی به کار رفته است؛ ۲. در آیه، فعل «تُسْمِعُ» مفرد مذکر مخاطب، ولی در حدیث، «يُسْمِعُ» مفرد مذکر غایب است؛ ۳. در آیه، «الدَّعَاءَ» مفعول به دوم است، ولی در حدیث مفعول به دوم به کار نرفته است.

بخش دوم سخن امام علیه السلام: «وَلَا يَهْدِي الْعَمَى إِلَّا اللَّهُ» از قسمتی از آیه ۸۱ سوره نحل: «وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنْ صَلَاتِهِمْ» گرفته شده است و با چندین تفاوت به کار رفته است؛ از جمله: ۱. آیه به صورت جمله اسمیه است، ولی در حدیث، جمله فعلیه است؛ ۲. در آیه، ماده «هدی» به صورت اسم فاعل، ولی در حدیث به صورت فعل مضارع (مفرد مذکر غایب) است؛ ۳. آیه به صورت خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است و هدایت کردن به ایشان نسبت داده شده است، ولی حدیث به صورت غایب است و هدایت به خداوند نسبت داده شده است که البته منافاتی وجود ندارد؛ زیرا بر اساس نظام توحید افعالی، پیامبر صلی الله علیه و آله واسطه هدایت است و هدایت گری پیامبر صلی الله علیه و آله در طول هدایت خداوند است؛ ۴. در آیه، پس از «الْعَمَى» تعبیر «عَنْ صَلَاتِهِمْ» به کار رفته است، ولی در حدیث وجود ندارد.

از آنچه گذشت می توان دریافت کرد که رابطه کلام امام در متن حاضر با متن غایب بینامتنی گزاره ای و از نوع کامل تعدیلی است.

نمونه هایی دیگر از بینامتنیت کامل تعدیلی: ۱. روایت «يَدْعُو إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ...»^۱ برگرفته از آیه ۱۲۵ سوره نحل است؛ با این تفاوت که در روایت به صورت «يَدْعُو» (فعل مضارع) و در قرآن به صورت «ادْعُ» (فعل امر) آمده است؛ ۲. جمله «تَسْتَغْفِرُ لِلْمُذْنِبِ مِنْهُمْ» در روایت «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَصَلِّيَ عَلَيْهِمْ وَتُؤْمِنَ عَلَىٰ دُعَائِهِمْ وَتَسْتَغْفِرُ لِلْمُذْنِبِ مِنْهُمْ»^۲ با چند تغییر نسبت به آیه ۷ سوره غافر: «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا»^۳ به کار رفته است؛ ۳. در روایت «أَيُّدُهُمْ بِرُوحِ الْقُدْسِ»^۴ فعل «أَيُّدُهُمْ» به صورت امر برگرفته از آیه ۸۷ سوره بقره است؛ با این تفاوت که در آیه فعل به صورت ماضی استعمال شده است: «وَأَيُّدُنَاهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ»^۴؛ ۴. روایت «اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ أَخَذَ مِيثَاقَ شَيْعَتِنَا

۱. مسند الإمام الرضا أبي الحسن علي بن موسى عليه السلام، ج ۱ ص ۹۸.

۲. همان، ج ۱ ص ۱۲۶.

۳. همان، ج ۱ ص ۱۳۰.

ثُمَّ أَخَذَ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ^۱ برگرفته از آیه ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ...﴾^۲ است که با اعمال تغییراتی چند به کار رفت است؛ ۵. روایت «لَا تَكُنْ مِنَ الصَّادِقِينَ عَنْ دِينِ اللَّهِ»^۳ برگرفته از آیه ﴿وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلْتُ إِلَيْكَ...﴾^۴ است که با چند تغییر استعمال شده است؛ ۶. مقایسه شود جمله «لَا يَضِيقَنَّ صَدْرُكَ» در روایت «يَا أَبَا جَعْفَرٍ قَدْ قَضَى قَضَى اللَّهِ حَاجَتَكَ لَا يَضِيقَنَّ صَدْرُكَ»^۵ با آیه ﴿فَلَعَلَّكَ تَارِكُ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَصَائِقُ بِهِ صَدْرُكَ﴾^۶؛ ۷. مقایسه شود روایت «وَاللَّهِ يَجْعَلَنَّ اللَّهُ مِنِّي مَا يَثْبُتُ بِهِ الْحَقُّ وَأَهْلُهُ وَيَمْحَقُ بِهِ الْبَاطِلَ وَأَهْلُهُ»^۷ با آیه ﴿لِيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ﴾^۸.

۳-۱. بینامتنیت اشاره‌ای

۱-۳-۱. امام معصوم انسانی با ویژگی‌های بشری

متن حاضر: در باب امامت‌هم و فرض طاعت‌هم آمده است:

الإمامُ يُولَدُ وَيُلِدُّ وَيَصِحُّ وَيَمْرُضُ وَيَأْكُلُ وَيَشْرَبُ وَيَبُولُ وَيَتَعَوَّظُ وَيَنْكِحُ وَيَنَامُ؛^۹

امام زاییده می‌شود و صاحب فرزند می‌گردد و سالم می‌شود و بیمار می‌گردد، می‌خورد و می‌آشامد، بول می‌کند، به قضای حاجت می‌نشیند، ازدواج می‌کند و می‌خوابد.

متن غایب:

۱. ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾^{۱۰}

۱. همان، ج ۱ ص ۱۵۹.

۲. سوره احزاب، آیه ۷.

۳. مسند الإمام الرضا أبي الحسن علي بن موسى عليه السلام، ج ۱ ص ۱۶۸.

۴. سوره قصص، آیه ۸۷.

۵. مسند الإمام الرضا أبي الحسن علي بن موسى عليه السلام، ج ۱ ص ۲۰۲.

۶. سوره هود، آیه ۱۲.

۷. مسند الإمام الرضا أبي الحسن علي بن موسى عليه السلام، ج ۱ ص ۲۱۰.

۸. سوره انفال، آیه ۸.

۹. مسند الإمام الرضا أبي الحسن علي بن موسى عليه السلام، ج ۱ ص ۱۰۳.

۱۰. سوره كهف، آیه ۱۱۰.

بگو: من هم مثل شما بشری هستم و [لی] به من وحی می شود که خدای شما خدایی یگانه است. پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته پردازد، و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.

۲. ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَنْتَصِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا﴾^۱؛

و پیش از تو پیامبران [خود] را نفرستادیم، جز این که آنان [نیز] غذا می خوردند و در بازارها راه می رفتند، و برخی از شما را برای برخی دیگر [وسيله] آزمایش قرار دادیم. آیا شکیبایی می کنید؟ و پروردگار تو همواره بیناست.

رابطه بینامتنی: سنت الهی ایجاب می کند که همواره فرستادگانی از جانب خداوند برای تعلیم و تربیت مردم مبعوث شوند که بر اساس آیه ۲۰ سوره فرقان، معلم و مربی خود باید از جنس مردم و از توده مردم برخاسته باشد و دقیقاً مانند مردم زندگی کند تا الگوسازی از او عملی و ملموس باشد.^۲ کلمه «إِنَّمَا» که نشان از انحصار در آیه ۱۱۰ سوره کهف دارد و پیامبر ﷺ و همه فرستادگان را از جنس بشرو با همان نیازهای بشری معرفی می کند. آنان چیز زایدی بر دیگر بشر ندارند و چنین ادعایی هم نمی کنند. خداوند در این آیه به پیامبر ﷺ فرمان می دهد که به مردم بگو من هم انسان هستم و تفاوتی با شما ندارم و تنها ویژگی من وحی است تا به این صورت، مفهوم نبوت را به معنای ادعای الوهیت و برخورداری از قدرت های ما فوق بشر تعبیر نکنند و انتظاراتی را که جز خدا عالم و قادر بر آن ها نیست از فرستادگان در خواست ننمایند.^۳ هدف از بعثت انبیا و اولیا ابلاغ رسالت به مردم و ارشاد آنان است و این مستلزم از جنس بشر بودن است؛ زیرا در نبوت، فرستاده باید با افراد جامعه ارتباط و مصاحبت و تماس داشته باشد و این از توان جن و ملک خارج است؛ مگر آن که به شکل بشر ظاهر شوند و آن هم ناشناس که در این صورت اشکال آیه ۹ سوره انعام مجدداً باز می گردد:

﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُونَ﴾^۴؛

و اگر او را فرشته ای قرار می دادیم، حتماً وی را [به صورت] مردی در می آوردیم و امر

۱. سوره فرقان، آیه ۲۰.

۲. تفسیر نور، ج ۶ ص ۲۴۰.

۳. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۳ ص ۵۵۶.

را همچنان بر آنان مشتبّه می‌ساختیم.^۱

یعنی اگر به توصیه کفار عمل می‌کردیم و او را فرشته قرار می‌دادیم، باز هم واجب بود که سایر ویژگی‌های آدمی زاد را در او پدید می‌آوردیم و تغییراتی در ظاهر و باطن صورت می‌دادیم که در این صورت آنچه در نظر کفار مشکل می‌نمود، همچنان به قوت خود باقی می‌ماند.^۲

در متن حاضر نیز امام رضا علیه السلام، به تفصیل، به بیان خصوصیات بشری امامان به عنوان فرستادگان و سفیران هدایت بشر از قبیل خوردن و آشامیدن، بیماری و سلامتی و غم و شادی پرداخته است تا در تأیید آیات متن غایب، اولاً اعلام کند خداوند اولیای خود را از میان بشر برمی‌گزیند؛ لیکن بر اساس شایستگی‌های که دارند، امتیازاتی به آنان عطا می‌کند تا صبر دیگران امتحان شود و معلوم گردد آیا ظرفیت پذیرش هم‌نوعانی حامل پیام الهی به عنوان سرمشق را دارند؟ چه بسا از نظر ثروت و یا سن در سطح بالایی هم نباشند و تنها وجه تمایز آنان، نه در بعد جسمانی، بلکه در بعد روحانی و معنوی آنان است؛ و ثانیاً با ذکر جزئیات نیازها و خصوصیات بشری امامان مخالفت خود را با اندیشه غلات که جنبه الوهیت برای امامان قایل اند، اظهار کنند و به این طریق از رواج پدیده غلو جلوگیری نمایند.^۳

از آنجا که امام رضا علیه السلام در متن حاضر با واژه‌هایی متنوع و ساختاری متفاوت به محتوا و مفهوم آیات متن غایب اشاره می‌کنند، باید رابطه میان دو متن را بینامتنی اشاره‌ای به شمار آورد؛ به این صورت که پیام آیات، آن است که پیامبران و فرستادگان الهی، انسان‌هایی بسان دیگر انسان‌ها هستند و در خصوصیات مادی و جسمانی و هر آنچه که قوام زندگی مادی بر آن استوار است تفاوتی ندارند و تنها وجه تمایز ایشان اتصال به وحی است. روایت امام رضا علیه السلام الهام گرفته از این آیات است و بر این حقیقت دلالت دارد که امام مخلوقی متفاوت از دیگر انسان‌ها نیست و چون آنان از ویژگی‌های مادی و جسمی برخوردار است.

۱-۲-۳. محبت اهل بیت علیهم السلام عامل تبدیل گناهان به نیکی‌ها

متن حاضر: در باب نوادر امام رضا علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است:

حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُكَفِّرُ الذُّنُوبَ، وَ يُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ، وَإِنَّ اللَّهَ لَيَتَحَمَّلُ عَنْ مُحِبِّنَا أَهْلَ

۱. اطیب البیان، ج ۸ ص ۴۱۱.

۲. تفسیر نمونه، ج ۵ ص ۱۶۱.

۳. همان، ج ۳ ص ۳۲۹.

الْبَيْتِ مَا عَلَيْهِ مِنْ مَظَالِمِ الْعِبَادِ إِلَّا مَا كَانَ مِنْهُمْ عَلَى إِضْرَارٍ وَ ظُلْمٍ لِلْمُؤْمِنِينَ، فَيَقُولُ
لِلسَّيِّئَاتِ كُونِي حَسَنَاتٍ^۱؛

محبت ما اهل بیت (علیهم السلام) گناهان را می پوشانند و نیکی ها را دوچندان می کند. خداوند از گناهان محب ما اهل بیت (علیهم السلام) در می گذرد؛ مگر کسی به مؤمنان ضرر رسانده و ظلم کرده باشد. خداوند به گناهان (محب ما) می گوید به نیکی ها تبدیل شوید.

متن غایب:

﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾^۲؛

مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند. پس خداوند بدی هایشان را به نیکی ها تبدیل می کند. و خدا همواره آمرزنده مهربان است.

رابطه بینامتنی: مراد قرآن (متن غایب) از جمله: ﴿يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ﴾ این است که با سه شرط توبه، ایمان و عمل صالح گناهان به نیکی ها تبدیل می شود. در خصوص چگونگی تبدیل اقوال مختلفی وجود دارد. شاید بهترین نظر، سخن علامه طباطبایی باشد. به باور وی تفاوت دو عمل؛ مثلاً زنا و نکاح در موافقت و مخالفت با خدا است که در انسان اثر گذاشته و در نامه اعمالش نوشته می شود. نفس فعل اثری ندارد؛ زیرا نفس فعل و رفتارها فانی شده و از بین می رود. وقتی خود فعل از بین رفت، عنوانی هم که به آن داده می شود و چه خوب و چه بد فانی می شود، اما آثار عمل باقی است تا در روز ﴿تُبَلَى السَّرَائِرُ﴾^۳ خود را نمایان کند. اگر ذات کسی شقی یا آمیخته به شقاوت نباشد، هرگز مرتکب عمل زشت و گناه نمی شود. حال اگر چنین ذاتی به گناه دچار شد و پس از گناه با توبه، ایمان و عمل صالح به ذاتی پاکیزه و خالی از شقاوت و خبائث تبدیل شد، آثاری که در سابق داشت با مغفرت و رحمت خدا مبدل به آثاری می شود که با نفس سعید و پاکیزه مناسب باشد و عنوان گناه از آن برداشته می شود و عنوان حسنه و ثواب به خود می گیرد.^۴

در متن حاضر امام رضا (علیه السلام) به نقل از پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرمایند که محبت اهل بیت (علیهم السلام) باعث پوشاندن گناهان و مضاعف شدن حسنات می شود. البته مگر مواردی ظلم و ستمی به

۱. مسند الإمام الرضا أبي الحسن علي بن موسى عليه السلام، ج ۱، ص ۲۳۹.

۲. سوره فرقان، آیه ۷۰.

۳. سوره طارق، آیه ۹.

۴. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵ ص ۳۳۶.

مؤمنان و به تعبیر دیگر، حق الناس در میان باشد که شامل تبدیل به حسنه نخواهد شد. در برخی دیگر از روایات اهل بیت علیهم السلام تصریح شده است که سخن خداوند: ﴿فَأُولَٰئِكَ يَبْدَلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾، ویژه شیعیان گناه کار است که گناهانشان به حسنات تبدیل می‌شود.^۱ با مقایسه متن حاضر و متن غایب روشن می‌گردد که روایت به مضمون آیه قرآن اشاره دارد؛ زیرا هر دو متن به پوشش گناهان و تبدیل آن‌ها به حسنات اشاره دارند. لذا رابطه بینامتنیت اشاره‌ای بین روایت امام رضا علیه السلام و آیه قرآن وجود دارد.

شایان ذکر است که تبدیل گناهان به نیکی‌ها به واسطه محبت اهل بیت علیهم السلام بدون ضابطه نیست؛ زیرا طبق روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله کسی که محبت اهل بیت علیهم السلام داشته باشد، ده ویژگی را باید دارا باشد: زهد، حرص بر عمل، ورع در دین، رغبت در عبادت، توبه پیش از مرگ، نشاط در نماز شب، ناامیدی از مردم، پایبندی به اوامر و نواهی خداوند، بیزاری از دنیا و سخاوت.^۲ بنابراین، محبت اهل بیت علیهم السلام باید سرچشمه تقوا و اتصال به خدا باشد. تنها در سایه چنین محبتی است که به هنگام غلبه هوای نفس و ارتکاب گناه، احساس ندامت رخ می‌دهد و در پی آن توبه و عزم بر ترک گناه و در نتیجه تلاش برای جبران آن حاصل می‌گردد. در چنین حالت می‌توان مصداقی برای آثار محبت حقیقی پیدا کرد و در نتیجه از بار گناهان رهایی جست و تبدیل به ثواب کرد.

نمونه‌هایی دیگر از بینامتنیت اشاره‌ای: ۱. روایت «إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَذْهَبُ حَتَّىٰ يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ»^۳ اشاره دارد به آیه «وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا»^۴. ۲. روایت «فَقَالَ صلى الله عليه وآله: لِيَجْهَدَ جَهْدَهُ فَلَا سَبِيلَ لَهُ عَلَيَّ»^۵ اشاره دارد به آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۶. ۳. روایت «إِنَّمَا أُرِيدُ بِذَلِكَ أَنْ يَرْفَعَكَ اللَّهُ فَأَنْفِقْ وَلَا تَحْسَبْ مِنْ ذِي الْعَرْشِ إِفْتَارًا»^۷ اشاره دارد به آیه «قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»^۸. ۴. روایت «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ

۱. الامالی، ص ۲۹۸-۲۹۹.

۲. الخصال، ج ۲ ص ۵۱۵.

۳. مسند الإمام الرضا أبي الحسن علي بن موسى عليه السلام، ج ۱ ص ۲۲۸.

۴. سوره قصص، آیه ۵۹.

۵. مسند الإمام الرضا أبي الحسن علي بن موسى عليه السلام، ج ۱ ص ۲۲۸.

۶. سوره نساء، آیه ۱۴۱.

۷. مسند الإمام الرضا أبي الحسن علي بن موسى عليه السلام، ج ۱ ص ۲۱۵.

۸. سوره سبأ، آیه ۳۹.

أَخَذَ مِيثَاقَ أَوْلِيَائِنَا عَلَى الصَّبْرِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ^۱ اشاره دارد به آیه ﴿وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنْصَبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾^۲؛ ۵. روایت «إِذَا أَرَادَ أَنْ يَنْسَجِحِبَ الدُّعَاءَ فَعَلَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۳ اشاره دارد به آیه ﴿بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾^۴.

نتیجه‌گیری

۱. با تحلیل آیات قرآن و روایات کتاب الاممه مسند امام رضا علیه السلام روشن گردید که در نمونه‌های متعددی میان روایات امام رضا علیه السلام و آیات قرآن سه نوع رابطه بینامتنی:
 ۱. بینامتنی واژگانی، ۲. بینامتنیت گزاره‌ای (متنی)، ۳. بینامتنیت اشاره‌ای وجود داشت.
 ۲. در روایات کتاب الاممه به تفصیل و تصریح به مباحث مرتبط با امامت در آیات پرداخته شده است. این در حالی است که در آیات قرآن به اهمیت و ضرورت مسأله امامت و امامان غیر صریح و به اجمال اشاره شده است. با کنار هم نهادن روایات امام علیه السلام در کنار آیات، می‌توان روایات حضرت را مبین آیات امامت تلقی کرد.
 ۳. در موارد فراوانی آیات درباره مشرکان و یهودیان به کار رفته است و در روایات امام رضا علیه السلام الغای خصوصیت از آیات گردیده و به دشمنان اهل بیت علیه السلام تطبیق شده است، مثلاً عبارت «أَوْلِيكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ...» طبق سیاق آیه درباره یهودیان پیمان شکن است ولی در روایت امام رضا علیه السلام آیه بردشمنان اهل بیت علیه السلام تطبیق داده شده است که برای رسیدن به متاع اندک دنیا عهد خدا درباره خاندان پیامبر علیه السلام را شکستند.
 ۴. در برخی روایات، امام رضا علیه السلام اوصاف اهل بیت علیه السلام را با اوصافی که در قرآن برای پیامبران ذکر شده است تطبیق داده اند، برای نمونه پیام آیه ۱۱۰ سوره کهف و آیه ۲۰ سوره فرقان آن است که پیامبران و فرستادگان الهی، انسانهایی بسان دیگرانسان‌ها هستند و در خصوصیات مادی و جسمانی تفاوتی ندارند، تنها وجه تمایز ایشان ارتباط با عالم غیب برای هدایت‌گری مردم است، روایت امام رضا علیه السلام الهام گرفته از این آیات است و براین حقیقت دلالت دارد که امام مخلوقی متمایز از دیگرانسان‌ها نیست و چون آنان از ویژگیهای مادی و

۱. مسند الإمام الرضا أبي الحسن علي بن موسى عليه السلام، ج ۱ ص ۲۱۵.

۲. سوره إبراهيم، آیه ۱۲.

۳. مسند الإمام الرضا أبي الحسن علي بن موسى عليه السلام، ج ۱ ص ۱۸۹.

۴. سوره بقره، آیه ۱۱۷.

جسمی برخوردار است.

۵. در برخی آیات، تعبیری از قرآن در سیاق مذموم به کار رفته است، اما در روایات امام علیه السلام از آن سیاق خارج شده و ضمن الغای خصوصیت در بافت ممدوح استعمال شده است، مثلاً جمله يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا طبق سیاق آیات، منافقان به زبان جاری می‌کردند، اما در روایت امام رضا علیه السلام و بسیاری از زیارت نامه‌ها برای آرزوی شهادت در کنار امام حسین علیه السلام و یاران آن حضرت به کار رفته است.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام، عزیز الله عطاردی، تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۹۷ق.
- اطیب البیان فی تفسیر القرآن، آیه الله طیب، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش.
- الأمالی، محمد بن محمد مفید، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، چاپ اول.
- البرهان، هاشم بن سلیمان بحرانی، قم: مؤسسه البعثه قسم الدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۵ق.
- تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، سید محمد راستگو، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۶ش.
- تسنیم، عبدالله جوادی آملی، قم: اسرا، ۱۳۸۹ش.
- تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ق.
- التفسیر الکبیر، محمد بن عمر فخر رازی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۴ش.
- تفسیر نور الثقلین، عبد علی بن جمعه عروسی حویزی، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- تفسیر نور، محسن قرائتی، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ش، چاپ اول.
- جامع البیان، محمد بن جریر طبری، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
- الخصال، محمد بن علی بن بابویه صدوق، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
- الدر المنثور فی التفسیر المأثور، عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- رجال الکشی، محمد بن عمر کشی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
- شرح نهج البلاغه، عزالدین ابوالحامد ابن ابی الحدید، قم: کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، بیروت: دارالتأسیل، ۱۴۳۵ق.
- مسند الإمام الرضا أبی الحسن علی بن موسی (علیه السلام)، عزیزالله عطاردی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ق.
- المیزان، محمد حسین طباطبائی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- «اشکال التناسل الشعری البیاتی نموذجاً»، احمد طعمة حلبی، مجلة الموقف الادبی، ۲۰۰۷، العدد ۴۳۰.
- «بررسی روابط بینامتنی قرآنی در صحیفه رضویه»، قاسم مختاری؛ سحر محبی، نشریه حسنا، ۱۳۹۳ش، سال ششم.
- «بررسی روابط تناسل قرآنی در صحیفه رضویه»، سام چابکسوار، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی مراغه، ۱۳۹۵ش.
- «بینامتنی قرآن کریم با صحیفه سجادیه»، محمد رضا ستوده نیا؛ زهرا محققیان، دو فصلنامه پژوهش‌های زبان شناختی قرآن، ۱۳۹۵ش، سال پنجم، شماره اول.
- «بینامتنی قرآنی در اشعار سفیان بن مصعب عبیدی»، ابوالفضل رضایی؛ رقیه خرمی، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال چهل و نهم، ۱۳۹۵ش، شماره دوم.
- «بینامتنی قرآنی و روایی در شعر سید حمیری»، قاسم مختاری، غلامرضا شائقی، فصلنامه لسان مبین، ۱۳۸۹ش، سال دوم، شماره دوم.
- «تأملی بر نظریه بینامتنیت رولان بارت»، بهمن نامور مطلق، روزنامه ایران، ۱۳۸۶ش، شماره ۳۷۶۰.
- «خوانش رابطه بینامتنی شعر رضوی معاصر و قرآن کریم»، فرنگیس شاه‌رخی شهرکی، خلیل بیگ زاده، اسماعیل صادقی، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی، بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام)، تابستان ۱۳۹۶، سال پنجم، شماره ۱۸.